



کسی که در جمهوری اسلامی می خواهد مسؤولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن این است که اعتقاد حقیقی و عملی به ولایت فقیه داشته باشد. ولایت عملی مخصوص مسوولان است که می خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهیدان به کارگیری افراد پاکدست و معتقد و خدمتگزار به ملت، نه افرادی که حتی اگر به میز یک دهستان هم برسند خاطره خان های سابق را تداعی می کنند. مقابله با فساد و دوری از فساد و تجملات را شیوه خود قرار دهند.



**در انتخابات قبلی یکی از شعارهای یکی از جریان های سیاسی این بود که ما می خواهیم بیاییم تا جلوی جنگ را بگیریم و اگر ما نیاییم، جنگ شروع می شود اما بعد روشن شد اینگونه نیست و این نگاه القایی غلط است. یکی از شگردهایی که برای انتخابات ۱۴۰۰ در بعد تبلیغاتی تعریف شده بود، القای تعارض واهی بین میدان و دیپلماسی بود**

هستند، اعتقاد جدی دارند که تنها و تنها در سایه استفاده از همه ظرفیت های شان می توانند نقش آفرینی کنند و آمریکایی ها مصداق بارز این نگاه هستند. آنجایی که لازم است دیپلماسی و آنجایی که لازم است، میدان به کمک هم می آیند.

برخی به دنبال جاناندازی و راه اندازی پازل و نقشه های بودند که خودشان هم می دانستند واقعیت ندارد. در واقع دیپلماسی از جایی که میدان تمام می شود، آغاز نمی شود یا میدان از جایی که دیپلماسی تمام می شود آغاز نمی شود. اینها در حین کار با هم هستند. میدان ظرفیت هایی را ایجاد می کند که اگر نباشد، حرف دیپلماتیک جای خود را باز نمی کند. آمریکایی ها در رویکرد ظالمانه خود، در رویکرد تمامیت خواهی خود، ابتدا تهدیدهای شان را می کنند، فضا را مناسب می کنند و بعد دستورات خود را صادر می کنند. رویکرد جمهوری اسلامی تجاوز کارانه و ظالمانه نیست، دفاعی است، یعنی پیامی که به طرف مقابل می دهد این است که ما آغازگر هیچ تجاوزی نیستیم، کما اینکه تاریخ ما این را بخوبی نشان می دهد اما ظرفیت ایستادگی و توان دفاعی خود را به نمایش کامل می گذاریم برای اینکه قرآن کریم فرمود: «ثَر هَبُونَ بِه عُدْوَالَه وَ عُدْوَكُم»؛ آنجایی که صحبت از «مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» هست، یعنی قدرت میدانی شما، برای این است که دشمنان خدا و دشمنان شما به ترس بیفتند و برای آنان ترسناک شوید. متأسفانه صوت یکی از مقامات وزارت امور خارجه که به اعتقاد من حساب شده از جلد محرمانگی درآمد و پخش شد، زمینه سازی برای انتخابات ۱۴۰۰ بود. در انتخابات قبلی یکی از شعارهای شان این بود که ما می خواهیم بیاییم تا جلوی جنگ را بگیریم و اگر ما نیاییم، جنگ شروع می شود اما بعد روشن شد اینگونه نیست و این نگاه القایی نگاه غلطی است. یکی از شگردهایی که برای انتخابات ۱۴۰۰ متأسفانه در بعد تبلیغاتی تعریف شده بود، تعارض بین میدان و دیپلماسی بود. در حالی که در عالم واقع دیپلماسی، ظرفیتی است و میدان نیز ظرفیتی است و جمع و همگرایی آنها سبب قوت آن نظام و ملت می شود.

کسانی که ناآگاهانه این کار را کردند، طرح شان نگرفت اما آنهایی که آگاهانه وارد این بازی شدند، حتما قصد خیانت به این کشور را داشتند و این نگاه در هم شکسته شد.

■ چون در همان فایصل صوتی موضوعی هم درباره مذاکرات سردار سلیمانی و رئیس جمهور روسیه مطرح شد، می خواستم نظر شما را درباره این مطلب بدانم؛ اساسا شما ورود روسیه به پرونده سوریه را چگونه ارزیابی می کنید؟ پس از حضور آمریکا در افغانستان، بحران عراق و لشکرکشی آمریکا به عراق نیز شروع شد. روسیه به دلیل مسائل داخلی خود و ۲ جریان غرب گرا و مخالف غرب که در داخل این کشور بعد از فروپاشی شوروی شکل گرفت، در موضوعاتی مثل عراق، ورود نمی کرد. من یکی از بحث های مستمرم با آقای لاوروف همین بود که شما امروز به طور کامل صحنه عراق را به آمریکا واگذار می کنید و فردا باید صحنه های دیگر را واگذار کنید. روس ها با آمریکایی ها هماهنگ کرده بودند که در جنگ آمریکا با صدام، اینها بتوانند اسناد و مدارک خود را از سفارت شان در بغداد در ۱۵-۱۰ کامیون از عراق خارج کنند. به رغم اینکه با آمریکایی ها هماهنگ کردند اما وقتی این کامیون ها در حال انتقال اسناد روسیه از سفارت خود در عراق بودند، در طول مسیر بمباران می شود. به اعتقاد من روس ها همان زمان باید ورود منطقه ای می کردند اما هنوز دعوای داخلی شان تمام نشده بود. آقای پوتین یک انسان زیرک و آینده نگر است. وقتی شما تعامل داخلی او با شخصیت های سیاسی روسیه مثل آقای مدودف را بررسی کنید، به هوش سیاسی او پی می برید. آقای مدودف زمانی که نخست وزیر بود، تمایلات جدی غربی داشت و معتقد بود ما باید با آمریکایی ها کنار بیاییم. دوران نخست وزیری او تمام شده بود و آقای پوتین نمی توانست دوباره رئیس جمهور شود. طی یکی هماهنگی با یکدیگر، مدودف رئیس جمهور و پوتین نخست وزیر شد و عملا آقای مدودف را در جایگاهی قرار داد که در تعامل با آمریکایی ها متوجه این معنا بشود که آمریکایی ها قابل اعتماد نیستند. آقای مدودف در پایان دوره ریاست جمهوری با آقای مدودف در آغاز ریاست جمهوری کاملا متفاوت شد، لذا دوره بعدی که آقای پوتین آمد و ریاست جمهوری را گرفت، قاعدتا همراهی آقای مدودف با آقای پوتین در مسائل مختلف هماهنگ تر شد. این اقدامات نگاه دوراندیشانه و هوشمندی آقای پوتین را نشان می دهد. آقای پوتین یک تجربه ای را هم در رابطه با ایران داشت و آن اینکه در ایران هم ۲ نگاه در تعاملات بین المللی و منطقه ای وجود دارد؛ یک نگاه که معتقد است بی همگان به سر شود، بی غرب به سر نمی شود و نگاه دیگری که معتقد است به استقلال ایران، خودکفا بودن ایران و برقراری



**نقش حاج قاسم در آن گفت و گوی تاریخی با پوتین، در واقع القای تحلیلی از بحران سوریه به پوتین بود و مهم تر اینکه پوتین این تحلیل را پذیرفت. کسی این را نمی بیند. ما که از قبل در وزارت امور خارجه با روس ها تماس و ارتباط داشتیم اما نقش منحصر به فرد و کلیدی حاج قاسم در گفت و گوهایی خارجی خود، این مساله بود**